

نیاز به بازخوردهای اجتماعی در کاربران شبکه‌های اجتماعی و بهزیستی اجتماعی؛ نقش میانجی نیازهای بنیادین عمومی

تاریخ دریافت مقاله: 1402/9/2 تاریخ پذیرش مقاله: 1402/12/11

بهمن اسماعیلی انامق^۱، اکبر عطادخت^{۲*}

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: بهزیستی اجتماعی کاربران شبکه‌های اجتماعی از جمله موضوعات مهمی است که نیاز به بررسی نقش عوامل روان‌شناختی در آن وجود دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی و بهزیستی اجتماعی با توجه به نقش میانجی نیازهای بنیادین عمومی در کاربران شبکه‌های اجتماعی انجام گرفت.

روش: طرح پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری 11030 نفر از دانشجویان دانشگاه محقق اردبیل است. طبق روش تعیین حجم نمونه کلاین (2011)، 380 نفر به عنوان نمونه به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب گردید. ابزارهای گردآوری داده‌ها شامل، مقیاس نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی (NfOSF؛ دورادونی و همکاران، 2023)، مقیاس بهزیستی اجتماعی کبیز و شاپیرو (2004) و مقیاس ارضاء نیازهای بنیادین عمومی (BNSG-S؛ گنیه، 2003) بود. داده‌ها به روش همبستگی و مدل معادلات ساختاری تحلیل گردید.

یافته‌ها: نتایج همبستگی معنادار بین تمام متغیرها نشان داد ($p < 0/01$). براساس نتایج، نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی به صورت مستقیم 46 درصد ($\beta = -0/46$, $p = 0/001$) و از طریق غیرمستقیم 32 درصد ($\beta = -0/32$, $p = 0/001$) از واریانس بهزیستی اجتماعی را تبیین می‌کند. همچنین نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی 62 درصد ($p = 0/001$) از واریانس ارضاء نیازهای بنیادین عمومی و ارضاء نیازهای بنیادین عمومی 52 درصد ($\beta = 0/52$, $p = 0/001$) از واریانس بهزیستی اجتماعی را تبیین می‌کند.

نتیجه‌گیری: نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی با عدم ارضاء نیازهای بنیادین عمومی در ارتباط است. نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی و عدم ارضاء نیازهای بنیادین عمومی، بهزیستی اجتماعی پایین را در کاربران شبکه‌های اجتماعی پیش‌بینی می‌کنند.

کلمات کلیدی: بهزیستی اجتماعی، نیازهای بنیادین عمومی، نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی

1. دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

2. استاد، گروه روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

* نویسنده مسئول: ak_atadokht@yahoo.com

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول مقاله می‌باشد.



The Need for Social Feedback in Social Network Users and Social Well-being; Mediating Role of Basic Public Needs

Received: 2023/11/23 Accepted: 2024/03/01

Bahman Esmaeili Anamagh¹, Akbar Atadokht^{2*}

Original Article

Abstract

Introduction: The social well-being of social media users is one of the important issues in which there is a need to investigate the role of psychological factors. The present study was conducted to investigate the relationship between the need for online social feedback and social health and consider the mediating role of basic public needs in social network users.

Method: The research method was descriptive and correlational. According to Kline's (2011) sample size determination method, 380 people were selected as a sample using the available sampling method. Data collection tools included the Internet Social Feedback Need Scale (NfOSF; Doradooni et al, 2023) , Keyes and Shapiro's (2004) social well-being Scale, and the General Basic Needs Satisfaction Scale (BNSG-S; Genie, 2003). The data were analyzed using the structural equation model method.

Results: The results showed a significant and positive correlation between all variables ($p < 0.01$). Based on the results, the need for social feedback in social networks is 46% directly ($p = 0.001$, $\beta = -0.46$) and 32% indirectly ($p = 0.001$, $\beta = -0.32$) β explains the variance of social well-being. Also, the need for social feedback in social networks is 62% ($p = 0.001$, $\beta = 0.62$) of the variance of satisfaction of basic public needs and satisfaction of basic public needs explains 52% ($p = 0.001$, $\beta = 0.52$) of the variance of social well-being.

Conclusion: The need for social feedback in social networks is related to the lack of satisfaction with basic public needs. The need for online social feedback and failure to satisfy basic public needs predict low social well-being in social network users.

Keywords: Social Well-Being, Basic Public Needs, Need for social feedback in social networks

1. Ph.D. Student, Department of Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

2. Professor, Department of Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

*Corresponding Author: ak_atadokht@yahoo.com.

* This article is taken from the doctoral thesis of the first author of the article.

مقدمه

امروزه تعامل شدید با شبکه‌های اجتماعی (به عنوان مثال، اینستاگرام، تلگرام و ...)، به عنوان یک جزء حیاتی از زندگی روزمره مدرن است (فولگرز، ژل واتنیک و ماسارات¹، 2022). فراگیر بودن فعالیت در شبکه‌های اجتماعی سؤال‌هایی درباره تاثیر فعالیت در شبکه‌های اجتماعی بر بهزیستی کاربران شبکه‌های اجتماعی ایجاد می‌کند. یکی از جنبه‌های بهزیستی که از شبکه‌های اجتماعی تاثیر می‌پذیرد، بهزیستی اجتماعی است (سحا²، 2009). در پنج دهه گذشته سازمان بهداشت جهانی (1948)، بهزیستی اجتماعی را به عنوان یکی از ابعاد اصلی بهزیستی در کنار بهزیستی جسمانی و روانی فرد شناسایی کرده است (هامبلیون³ و همکاران، 2019). با توجه به اهمیت بهزیستی اجتماعی در کاربران شبکه‌های اجتماعی، شناسایی عوامل روان‌شناختی تاثیرگذار بر بهزیستی اجتماعی آنها از اهمیت خاصی برخوردار است.

در حوزه بهزیستی اجتماعی مفهوم‌سازی‌هایی هرچند محدود انجام شده است و افرادی مانند بلاک و برسلو⁴ در سال 1972 به مفهوم بهزیستی اجتماعی پرداخته و ابعاد آن را تعریف کرده‌اند (هابر⁵ و همکاران، 2011). بعد کیس و شاپیرو⁶ (2004) بهزیستی اجتماعی را به عنوان گزارش فرد از کیفیت زندگی خود در رابطه با افراد دیگر در محله و جامعه تعریف کرد. کیس (1998) و بعدا کیس و لوپز⁷ (2002)، باهم در یک تحلیل عاملی گسترده پنج جزء بهزیستی اجتماعی را مشخص کردند: 1- یکپارچگی اجتماعی⁸: به معنی ارزیابی فرد از کیفیت روابط متقابلش در جامعه و گروه‌های اجتماعی است. افراد سالم احساس می‌کنند که بخشی از جامعه بوده و از طرف جامعه حمایت می‌شوند و احساس صمیمیت با جامعه دارند (کیس، 1998). 2- سهم داشت اجتماعی⁹: بیانگر ارزیابی فرد از ارزش اجتماعی خود است و افرادی که این بعد را دارند اعتقاد دارند عضو مهم جامعه هستند و چیزهای ارزشمند برای ارائه به دیگران دارند. 3- پذیرش اجتماعی¹⁰: تفسیر فرد از جامعه و ویژگی‌های دیگران است، افراد دارای این خصیصه دیگران را با همه نقص‌ها و جنبه‌های مثبت و منفی می‌پذیرد و اعتماد و اطمینان نسبت به دیگران دارند. 4- پیوستگی اجتماعی¹¹: اعتقاد به اینکه اجتماع قابل فهم، منطقی و قابل پیش‌بینی است و علاقه به جامعه دارند. 5- شکوفایی اجتماعی¹²: عبارت است از ارزیابی پتانسیل‌ها و مسیر تکامل جامعه و باور به اینکه اجتماع در حال یک تکامل تدریجی است و توانمندی‌های بالقوه‌ای برای تحول مثبت دارد (کیس و شاپیرو، 2004).

بهزیستی اجتماعی در کاربران شبکه‌های اجتماعی می‌تواند تحت تاثیر نیازهای بشری از قبیل نیازهای بنیادین عمومی و نیاز به بازخورد اجتماعی باشد. چنانکه مازلو¹³ (1987) نیز معتقد است هر فردی برای رسیدن به سلامتی مطلوب یک سری نیازهایی دارد که باید برطرف گردد. امروزه نیاز به بازخورد اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی از موضوعات نوظهور در تحقیقات است. نیاز به بازخورد اجتماعی مفهومی است که به تحسین دیگران و نگرانی از «آنچه دیگران می‌گویند» مربوط می‌شود (کاراشا و اوگلموس¹⁴، 2011). افرادی که نیاز زیادی به بازخورد اجتماعی دارند، برای آنها احساس ارزشمندی و دوست داشتن از سوی دیگران بسیار

1. Vogels, Gelles-Watnick & Massarat

2. Saha

3. Hamblion

4. Block & Berslow

5. Huber

6. Keyes & Shapiro

7. Keyes & Lopez

8. Social Integration

9. Social Contribution

10. Social Acceptance

11. Social Coherence

12. Social Actualization

13. Maslow

14. Karaşa & Ogulmus

مهم است و آن را به راحتی در شبکه‌های اجتماعی جستجو می‌کنند (تایلور¹، 2015). مکانیسم پسندیدن² در شبکه‌های اجتماعی که امروزه تقریباً همه شبکه‌های اجتماعی از آن برخوردارند، یکی از محبوب‌ترین راه‌های تعامل افراد و دادن بازخورد به یکدیگر در شبکه‌های اجتماعی است (مارنگو³ و همکاران، 2021). اشتراک‌گذاری مجدد محتوا، دریافت نظرات، تعداد دنبال‌کنندگان و تعداد بازدیدها از مطالب به اشتراک گذاشته نیز از منابع احتمالی ارزیابی در بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی هستند (دورادونی، اسپادونی، گورسلی و گوآزینی⁴، 2023). دورادونی و همکاران (2023) نیاز به شهرت و نیاز به تعلق را از ابعاد نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی مطرح کردند. مطابق با نظریه نیاز به تعلق باومایستر⁵ (2007)، عدم دریافت بازخورد مثبت در شبکه‌های اجتماعی با احساس طرد اجتماعی و دریافت بازخورد مثبت با تجربه و احساس خوشایند همراه است (علابری⁶، 2022). مطالعاتی که به طور مستقیم به بررسی روابط بهزیستی اجتماعی و نیاز به بازخورد اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی تمرکز کند، وجود ندارد. اما پژوهش‌هایی انجام شده است که به نوعی عملکرد اجتماعی افراد را در کاربران شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد. تقوی یزدی و چیت ساز (1395)، زمانی، نوربخش و ناییبی (1400)، برات دستجردی، داورپناه و اسماعیلی (1395) و اصغرکیا (1397) در مطالعه‌ای نشان دادند که بهزیستی اجتماعی دانشجویان به عنوان سازه‌ای اجتماعی از استفاده و حضور در شبکه‌های اجتماعی تأثیر منفی می‌پذیرد. فو و گو⁷ (2019) در مطالعه‌ای نشان داد که احساس تنهایی با تداوم استفاده از فیس بوک (ارتباط عاطفی نسبت به رسانه اجتماعی) پیش‌بینی می‌شود. یافته‌های رضانپور، جوزی و بگیان کوله مرزی (1401) نشان داد کاربران دارای اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی حساسیت به طرد و ضعف در مهارت‌های ارتباطی دارند. همچنین مطالعه‌ای با موضوع نیاز به تأیید اجتماعی و اضطراب اجتماعی توسط مودی، دیویس، تروب گوردون، تلزر و رودولف⁸ (2023) انجام شده است که نشان می‌دهد، افراد با سطح بالایی از نیاز به تأیید اجتماعی در مقایسه با افراد با سطح پایین نیاز به تأیید اجتماعی، اضطراب اجتماعی بیشتری را تجربه می‌کنند. با این وجود شواهدی متناقضی وجود دارد که نشان می‌دهد، استفاده از شبکه‌های اجتماعی از طریق فراهم کردن فرصت برای خودافشایی و ارتباط از تقویت روابط اجتماعی آنها حمایت می‌کند (میچیکیان و سوارز-اورزکو⁹، 2015).

با توجه به پژوهشها و نظریه‌های پیشین، بررسی نقش تبیین‌کننده نیازهای بنیادین عمومی در رابطه نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی و بهزیستی اجتماعی دارای اهمیت و نیازمند بررسی است. خودپیروی، شایستگی و تعلق سه نیاز بنیادین عمومی براساس نظریه خود تعیین‌گری است (رایان و دسی¹⁰، 2000). خودمختاری به تجربه اراده و احساس تأیید خود از زندگی و اعمال خود اشاره دارد. شایستگی به تمایل فرد برای تسلط بر محیط و رسیدن به نتایج ارزشمند در آن اشاره دارد و تعلق نیز به احساس ارتباط با دیگران و داشتن احساس حمایت و تعلق اشاره دارد (رایان و دسی، 2000). نیازهای بنیادین عمومی شامل مفاهیم خودمختاری، شایستگی و ارتباط است که به عنوان عاملی برای رشد مداوم روان‌شناختی، یکپارچگی و بهزیستی فرد در نظر گرفته می‌شود. عدم ارضاء نیازهای بنیادین عمومی با پیامدهای منفی همراه است (فانستینکیست، الترن، هارنس و سوئنس¹¹، 2019). شواهد مطالعاتی نشان می‌دهد، ارضاء نیازهای بنیادین عمومی برای بهزیستی فرد لازم و ضروری است

1. Taylor
2. like
3. Marengo
4. Duradoni, Spadoni, Gursesli & Guazzini
5. Baumeister
6. Alabri
7. Phu & Gow
8. Modi, Davis, Troop Gordon, Telzer & Rudolph
9. Michikyan & Suárez-Orozco
10. Ryan & Deci
11. Vansteenkiste, Aelterman, Haerens & Soenens

(فانستینکیست، رایان و سوئنس، 2020). این موضوع که آیا بهزیستی اجتماعی نیز می‌تواند یکی از نتایج مثبت ارضاء نیازهای بنیادین عمومی در کاربران شبکه‌های اجتماعی باشد، یکی از سؤال‌های قابل بررسی پژوهش است. مطالعه لیو، لینچ و لی¹ (2021) نشان داده است، ارضاء نیازهای بنیادین عمومی ارتباط مستقیم با بهزیستی اجتماعی دارد. بهشتیان و روزبهانی (1395) در مطالعه‌ای اضطراب اجتماعی را براساس عدم ارضاء نیازهای بنیادین عمومی پیش‌بینی کردند.

از جمله موارد دیگر بررسی پژوهش، ارتباط نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی با نیازهای بنیادین عمومی است که در مفهوم نیاز اشتراک دارند. شبکه‌های اجتماعی می‌توانند فرصت‌هایی را برای افراد فراهم کنند تا دیگران را دنبال کنند و با آنها تعامل کنند و از طریق تعامل با افراد مشابه و دریافت بازخورد از دیگران، جوانان می‌توانند احساس تعلق و پذیرش را ایجاد کنند و از این طریق نیازهای روان‌شناختی خود را از قبیل خودپیروی، شایستگی و ارتباط ارضاء کنند (سپیه شاپیرو و مارگولین²، 2014). در این خصوص مطالعه دورادونی و همکاران (2023)، نشان داد وجود نیاز به تعلق که از نیازهای بنیادین مهم است با نیاز بیشتر به بازخوردهای اجتماعی در کاربران شبکه‌های اجتماعی مرتبط است. همچنین مطالعه دورادونی و همکاران (2023) نشان داد که وجود نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی با ویژگی‌های شخصیتی خودشیفته همراه است. از آنجا که خودشیفتگی در افراد از احساس عمیق حقارت و احساس برتری سطحی که فرد خودشیفته را از خود بیزار می‌کند، نشأت می‌گیرد و شامل تضاد بین دو مجموعه باورهای متناقض در مورد خود است (اختر و تامپسون³، 1982). بر این اساس آشکار می‌شود که نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند با احساس عدم شایستگی و کمبود خودپیروی که جزو نیازهای بنیادین است، همراه باشد. مطالعه آرپاچی، تک و شخاوات⁴ (2023)، نشان داد که نیازهای بنیادین عمومی به طور قابل توجهی رفتار ارسال تصویر خود در شبکه‌های اجتماعی را پیش‌بینی می‌کنند که این افشاء و ارسال تصویر خود بر اساس مطالعه ساوچی، امین توران، گریفیث و ارجنگیز⁵ (2021)، ناشی از نیاز به بازخوردهای اجتماعی از سوی دیگران در شبکه‌های اجتماعی است که این موضوع رابطه نیاز به بازخوردهای اجتماعی و نیازهای بنیادین عمومی را آشکار می‌کند.

نیازهای فردی کاربران شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی در بهزیستی اجتماعی جوانان دارند. با این حال، فقدان تحقیقات بنیادین و شکاف دانشی برجسته برای درک بهزیستی اجتماعی کاربران شبکه‌های اجتماعی برحسب نیازهای فردی وجود دارد. بنابراین، نیاز اساسی به مطالعه بهزیستی اجتماعی کاربران شبکه‌های اجتماعی وجود دارد و اهمیت دارد، عوامل روان‌شناختی تاثیرگذار بر بهزیستی اجتماعی کاربران شبکه‌های اجتماعی مورد مطالعه قرار بگیرد. انجام تحقیقات در این زمینه می‌تواند برای توسعه دستورالعمل‌های والدین در تعامل با نوجوانانی که درگیر شبکه‌های اجتماعی هستند و سیاست‌های آموزشی پیرامون استفاده از شبکه‌های اجتماعی مفید باشد. پژوهش حاضر با پژوهش‌های قبلی متفاوت است، پژوهش حاضر بیشتر به بعد نیازهای فردی و اجتماعی در کاربران شبکه‌های اجتماعی تمرکز می‌کند و بهزیستی اجتماعی آنها را که می‌تواند از آثار نیازهای اساسی فردی و گرایش به شبکه‌های اجتماعی باشد، مورد مطالعه قرار می‌دهد. بهزیستی اجتماعی یکی از موضوع‌های قابل مطالعه در کاربران شبکه‌های اجتماعی است که تحقیقات مختلف در موضوع بهزیستی اجتماعی در مقایسه باهم به نتایج متناقضی در کاربران شبکه‌های اجتماعی دست یافته‌اند. از سوی دیگر پژوهشی یافت نشد که بتواند تمام متغیرهای مد نظر پژوهش را در قالب یک مدل علی بررسی و تبیین کرده باشد. بنابراین ضرورت می‌یابد در پژوهش حاضر موضوع بهزیستی اجتماعی بر اساس نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی با نقش میانجی نیازهای بنیادین عمومی در کاربران شبکه‌های اجتماعی مورد مطالعه

1. Leow, Lynch & Lee.

2. Spies Shapiro & Margolin

3. Akhtar & Thomson,

4. Arpaci, Tak & Shekhawat

5. Savci, Emin Turan, Griffith & Ercengiz

قرار گیرد. بنابراین هدف پژوهش حاضر، بررسی بهزیستی اجتماعی براساس نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی با توجه به نقش میانجی نیازهای بنیادین عمومی در کاربران شبکه‌های اجتماعی است. پژوهش حاضر دارای فرضیه‌های ذیل است:

1. نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی بر بهزیستی اجتماعی کاربران شبکه‌های اجتماعی اثر مستقیم دارد.
2. ارضاء نیازهای بنیادین عمومی بر بهزیستی اجتماعی کاربران شبکه‌های اجتماعی اثر مستقیم دارد.
3. نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی با نقش میانجی ارضاء نیازهای بنیادین عمومی بر بهزیستی اجتماعی اثر غیرمستقیم دارد.

روش

پژوهش حاضر از لحاظ میزان و درجه کنترل متغیرها غیر آزمایشی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها میدانی محسوب می‌شود. طرح پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه تحقیق شامل دانشجویان کارشناسی دانشگاه محقق اردبیلی در سال تحصیلی 1401-1402 به تعداد 11030 نفر بود. حجم نمونه 380 نفر متناسب با روش تعیین حجم نمونه کلاین (2011) بود. طبق نظر کلاین (2011) حجم نمونه معمولی در مطالعاتی که از معادلات ساختاری استفاده می‌شود، حدود 200 مورد است. با این حال، تعداد نمونه 200 مورد امکان دارد در هنگام تجزیه و تحلیل یک مدل پیچیده بسیار کوچک باشد. همچنین به عقیده کلاین (2011)، حداقل حجم نمونه نسبت به تعداد متغیرهای مشاهده‌پذیر که مطلوب قلمداد می‌شود، 20 به 1 است. در مدل مفروض پژوهش طبق دیدگاه کلاین 10 پارامتر اندازه‌گیری می‌شود، بنابراین برای دستیابی به نتایجی مطلوب نمونه‌ای برابر 200 شرکت کننده کافی است، اما جهت ارتقاء اعتبار پژوهش به تعداد 380 نفر در پژوهش شرکت کردند. روش نمونه‌گیری استفاده شده، نمونه‌گیری از نوع در دسترس بود. ملاک ورود به پژوهش استفاده حداقل از یک شبکه اجتماعی مانند اینستاگرام، فیس بوک و دیگر شبکه‌های اجتماعی بود. حدود 75 درصد شرکت کنندگان در پژوهش به واسطه استفاده از شبکه اجتماعی اینستاگرام و پیام‌رسان تلگرام و بقیه حجم نمونه به شیوه مراجعه میدانی به محیط دانشگاه و دانشکده‌ها و کلاس‌های درسی انتخاب شدند. افراد شرکت یافته در پژوهش به واسطه رسانه‌های اجتماعی اینستاگرام و تلگرام از طریق پرسش‌نامه اینترنتی به اشتراک گذاشته شده به پرسش‌نامه‌ها پاسخ دادند. قبل از اجرای پرسش‌نامه‌ها موارد ذیل برای شرکت کنندگان مطرح شد: تشریح هدف پژوهش و داشتن اختیار خروج از پژوهش، محرمانه ماندن نتایج پژوهش و استفاده از داده‌ها جهت انجام کار پژوهشی. بعد پرسش‌نامه‌ها اجرا و داده‌های آن در نرم‌افزار SPSS24 و AMOSE24 مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت. جهت گردآوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده گردید:

ابزارهای پژوهش

الف) مقیاس نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی¹ (NfOSF): این مقیاس توسط دورادونی و همکاران (2023)، براساس نظریه نیازهای مازلو (1987) و داده‌های حاصل از 1403 شرکت کنندگان ایتالیایی ساخته شده است. این مقیاس شامل 5 گویه است که در مقیاس لیکرت 5 درجه‌ای از 1 (کاملاً مخالفم) تا 5 (کاملاً موافقم) اندازه‌گیری می‌شود. گویه‌های این مقیاس از طریق مصاحبه و مشورت با 4 روان‌شناس با تجربه در شبکه‌های اجتماعی و محیط‌های مجازی (یعنی نویسندگان) ایجاد شده است. گویه‌های مقیاس به ترتیب موارد زیر است: 1. من خوشحالم که مردم محتویات من در شبکه‌های اجتماعی را مشاهده می‌کنند. 2. وقتی بازخورد مثبتی (مثلاً لایک‌ها) در مورد مطالبم دریافت می‌کنم احساس رضایت می‌کنم. 3.

1. Scale Feedback Need for Online Social- NfOSF

برای من، دریافت قدردانی از محتوای من در شبکه‌های اجتماعی مهم است. 4. من دوست دارم مطالب من در شبکه‌های اجتماعی انتشار گسترده داشته باشد. 5. من می‌خواهم در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنندگان زیادی داشته باشم. سه گویه اول تمایل بازخورد مثبت و دو گویه بعدی تمایل بالاتر برای شهرت را سنجش می‌کند. نمرات بالاتر در مقیاس، نیاز بالاتر برای بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی را نشان می‌دهد. تحلیل‌های عاملی اکتشافی و تأییدی از یک ساختار دو عاملی تمایل بازخورد مثبت و تمایل بالاتر برای شهرت برای مقیاس نیاز به بازخوردهای اجتماعی توسط سازندگان حمایت می‌کند. در بررسی روایی مقیاس توسط سازندگان، نتایج روابط مثبتی را بین مقیاس نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی و مقیاس‌های خودشیفتگی (0/25)، نیاز به تعلق (0/33)، ترس از دست دادن (0/24) و مقیاس ادراک مشهور بودن در شبکه‌های اجتماعی (0/30) با سطح معناداری (0/01) نشان داد. پایایی درونی مقیاس توسط دوردونی و همکاران (2023) برای زیر مقیاس تمایل بازخورد مثبت 0/84 و تمایل بالاتر برای شهرت 0/90 گزارش شده است. در پژوهش حاضر در بررسی روایی مقیاس، روایی واگرا مقیاس با مقیاس ارضاء نیازهای بنیادین 0/51- و زیر مقیاس‌های ارضاء نیاز به تعلق، شایستگی و خودپیروی به ترتیب 0/49-، 0/44- و 0/44- بدست آمد. در این پژوهش پایایی مقیاس نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی به روش آلفای کرونباخ بررسی گردید. پایایی کل مقیاس به روش آلفای کرونباخ 0/92 و برای زیر مقیاس‌های تمایل بازخورد مثبت و تمایل بالاتر برای شهرت به ترتیب 0/85 و 0/87 بدست آمد.

ب) مقیاس بهزیستی اجتماعی¹: این پرسش‌نامه 33 سوالی توسط کیس در سال (1998) و براساس مبانی نظری او از سازه بهزیستی اجتماعی ساخته شده است. گویه‌های (6، 8، 14، 19، 23، 27 و 31) خرده مقیاس پذیرش اجتماعی و گویه‌های (2، 9، 10، 12، 16، 21) خرده مقیاس انسجام اجتماعی، گویه‌های (1، 11، 13، 20، 22، 29 و 33) خرده مقیاس همبستگی اجتماعی، گویه‌های (3، 4، 24، 26، 28 و 32) خرده مقیاس مشارکت اجتماعی، گویه‌های (5، 7، 15، 17، 18، 25، 30) خرده مقیاس شکوفایی اجتماعی را روی طیف پنج درجه‌ای لیکرت می‌سنجد (صفاری نیا و همکاران، 1393). حداقل و حداکثر نمره فرد در پرسش‌نامه بین 33 تا 165 است. کیز (1998)، در مطالعه‌ای با حجم نمونه 2887 نفر در آمریکا به روش تحلیل عاملی 5 عامل بهزیستی اجتماعی را در پرسش‌نامه را تایید کرد. کیز (1998) در این مطالعه پایایی پرسش‌نامه را به روش آلفای کرونباخ برای انسجام اجتماعی 0/64، شکوفایی اجتماعی 0/64، همبستگی اجتماعی 0/73، مشارکت اجتماعی 0/66 و پذیرش اجتماعی 0/41 گزارش کردند (سیه‌جانی و صفاری نیا، 1400). صفاری نیا و همکاران (1293) نیز پایایی پرسش‌نامه مذکور را به روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس 0/76 و برای هریک از خرده مقیاس‌ها به ترتیب 0/77 برای یکپارچگی اجتماعی، 0/74 برای مشارکت اجتماعی، 0/74 برای پذیرش اجتماعی، 0/73 برای خودشکوفایی اجتماعی و 0/75 برای همبستگی اجتماعی گزارش کردند. صفاری نیا و همکاران (1396) در پژوهش دیگر ضریب پایایی کل مقیاس بهزیستی اجتماعی را با استفاده از آلفای کرونباخ 0/85 گزارش کردند. همچنین صفاری نیا و همکاران (1293) به روش تحلیل عاملی مدل پنج عاملی مقیاس بهزیستی اجتماعی را مطابق با مدل بیان شده به وسیله کیز (1998) تایید کردند. همچنین روایی همزمان این پرسش‌نامه با پرسش‌نامه شادکامی و خرده مقیاس روابط بین فردی چک لیست علایم مرضی (SCL-90) در پژوهش هاشمی و همکاران (1393) به ترتیب 0/66 و 0/56- گزارش شده است که نشان از معتبر بودن مقیاس است.

پ) مقیاس ارضاء نیازهای بنیادین عمومی² (BNSG-S): مقیاس ارضاء نیازهای بنیادین عمومی از 21 عبارت تشکیل شده است و ارضاء یا ناکامی نیازهای بنیادین عمومی را می‌سنجد. پاسخدهی به گویه‌های مقیاس به صورت لیکرتی هفت درجه‌ای از نمره یک (اصلاً درست نیست) تا نمره هفت (کاملاً درست است) است و سه زیر مقیاس تعلق (8 گویه)، شایستگی (6

1. Social Health - KSHQ

2. Basic Needs Satisfaction in General Scale

گویه) و خودپیروی (7 گویه) دارد. نمره بالاتر در هر خرده مقیاس نشان دهنده سطح بالاتر ارضاء نیازها است (گینه¹، 2003). وی² و همکاران (2005) گزارش کردند که ارضاء نیازهای خودمختاری، شایستگی و ارتباط به ترتیب به طور مثبت با رضایت از زندگی ($r=0/57$ ، $r=0/59$ ، $r=0/50$) و عزت نفس ($r=0/41$ ، $r=0/53$ ، $r=0/50$) رابطه دارد. پایایی مقیاس در تحقیقات مختلف 0/61 تا 0/81 برای خرده مقیاس استقلال، 0/60 تا 0/86 برای خرده مقیاس شایستگی و 0/61 تا 0/90 گزارش شده است (گینه، 2003؛ کاشدان³ و همکاران، 2009). در ایران نیز پایایی و روایی مقیاس توسط بشارت و کلاگری (1392) مورد تأیید واقع شده است. تحلیل عاملی اکتشافی توسط بشارت و کلاگری (1392) علاوه بر عامل کلی ارضاء نیازهای بنیادین عمومی، سه عامل خودپیروی، شایستگی و تعلق (پیوستگی) را برای مقیاس ارضاء نیازهای بنیادین عمومی تأیید کرد. در بررسی روایی مقیاس، نتایج ضرایب همبستگی نشان داد، زیرمقیاس‌های این آزمون با شاخص‌های برون‌گرایی، عاطفه مثبت و بهزیستی روان‌شناختی همبستگی مثبت معنادار و با شاخص‌های نوروگرایی، عاطفه منفی و درماندگی روان‌شناختی همبستگی منفی معنادار دارد که در کل روایی همگرا و تشخیصی مقیاس ارضاء نیازهای بنیادین عمومی را تأیید می‌کند. در پژوهش بشارت و کلاگری (1392)، همسانی درونی مقیاس بر حسب آلفای کرونباخ بین 0/83 تا 0/91 محاسبه گردید و پایایی بازآزمایی این مقیاس برای ارضاء نیاز خودپیروی 0/67، ارضاء نیاز شایستگی 0/75 و ارضاء نیاز تعلق 0/77 گزارش گردید.

یافته‌ها

جدول 1. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش و ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	M	S. D	چولگی	کشیدگی	نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی	ارضاء نیازهای بنیادین عمومی اجتماعی	بهزیستی اجتماعی
شکوفایی اجتماعی	21/53	4/37	-0/26	-0/40	-0/49**	0/55**	0/76**
همبستگی اجتماعی	22/57	3/97	0/33	0/55	-0/49**	0/56**	0/78**
انسجام اجتماعی	18/57	3/79	0/22	-0/23	-0/52**	0/61**	0/78**
پذیرش اجتماعی	19/07	6/33	-0/13	-0/76	-0/53**	0/58**	0/86**
مشارکت اجتماعی	20/17	6/32	-0/05	-0/89	-0/54**	0/56**	0/84**
بهزیستی اجتماعی	101/91	20/19	-0/28	-0/91	-0/64**	0/70**	1
تعلق	41/61	8/88	-0/26	-0/88	-0/49**	0/88**	0/65**
خودپیروی	36/30	8/07	-0/43	-1/08	-0/44**	0/88**	0/62**
شایستگی	30/81	8/12	-0/37	-1/21	-0/44**	0/90**	0/61**
ارضاء نیازهای بنیادین عمومی	10/72	22/37	-0/47	-1/03	-0/51**	1	0/70**
تمایل بازخورد مثبت	10/12	1/68	0/49	1/21	0/90**	-0/48**	-0/56**
تمایل بالاتر برای شهرت	5/10	1/54	0/40	0/78	0/89**	-0/44**	-0/58**
نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی	15/30	2/96	0/84	1/57	1	-0/51**	-0/64**

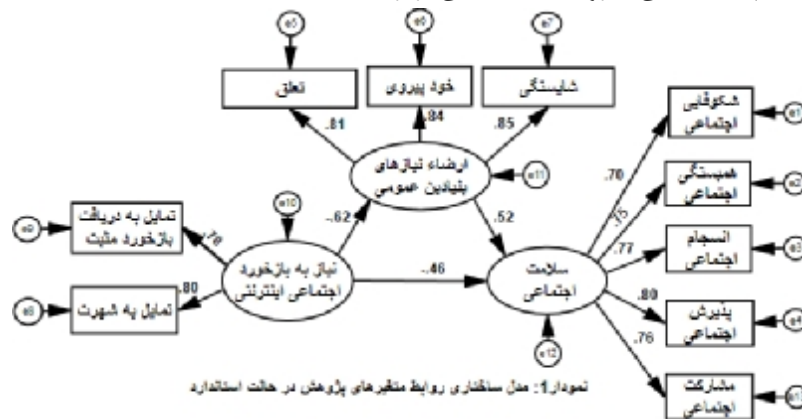
** ($p < 0/01$)

طبق یافته‌های توصیفی 380 نفر (230 دانشجوی مرد و 150 دانشجوی زن) در پژوهش شرکت کردند. میانگین سنی شرکت کنندگان 23 با انحراف معیار 3/22 بود. در ادامه جدول (1)، شاخص‌های توصیفی میانگین، انحراف معیار، کجی و کشیدگی در متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. چولگی و کشیدگی متغیرها در بازه (2و-) هستند، لذا داده از توزیع نرمال برخوردار هستند

1. Gagné
2. Wei
3. Kashdan

که یکی از مفروضه‌های مغذلات ساختاری است. در ادامه روابط بین متغیرهای مشاهده‌پذیر با محاسبه ضریب همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از آن است که بین متغیرهای پژوهش باهم رابطه معنادار ($p < 0/01$) وجود دارد. بررسی رابطه میان متغیرهای پژوهش نشان داد، نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی و مؤلفه‌هایش به عنوان متغیر پیش‌بین با ارضاء نیازهای بنیادین عمومی و مؤلفه‌هایش به عنوان متغیر ملاک رابطه معنادار دارد.

در ادامه مفروضه‌های داده‌های از دست رفته، موارد دور افتاده (پرت) مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش داده‌های از دست رفته با میانگین مقادیر متغیرها جایگزین شد. نتایج بررسی موارد پرت در متغیرهای پژوهش نشان داد که در هیچ یک از متغیرهای پژوهش موارد پرت وجود ندارد. رابطه خطی بین متغیرهای پژوهش، یک سویه بودن جهت مدل، استفاده از متغیرهای فاصله‌ای یا نسبی در متغیرهای پژوهش و توزیع نرمال داده‌ها به لحاظ اینکه از مفروضه‌های تحلیل معادلات ساختاری می‌باشد مد نظر قرار گرفت و روی هم رفته تمامی مفروضه‌های اساسی برقرار است.



نمودار ۹: مدل ساختاری روابط متغیرهای پژوهش در حالت استاندارد

پیش‌بینی بهزیستی اجتماعی براساس نیاز به بازخوردهای اجتماعی با نقش واسطه‌ای ارضاء نیازهای بنیادین عمومی هدف اساسی پژوهش بود. همانگونه که ملاحظه می‌شود اثر مستقیم استاندارد نیاز به بازخوردهای اجتماعی با بهزیستی اجتماعی منفی معنادار ($p=0/001, \beta = -0/46$)، اثر مستقیم استاندارد نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی با ارضاء نیازهای بنیادین عمومی منفی معنادار ($P=0/001, \beta = -0/62$) و اثر مستقیم استاندارد ارضاء نیازهای بنیادین عمومی با بهزیستی اجتماعی ($p=0/001, \beta = 0/52$) به صورت مثبت معنادار است و می‌توان مدل ساختاری روابط بین متغیرهای آشکار و پنهان را طبق نمودار (1) رسم نمود.

جدول 2. ضرایب مستقیم غیراستاندارد و استاندارد مسیرهای موجود در مدل (جدول ضرایب مدل رگرسیونی)

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	B (ضریب مسیر مستقیم غیراستاندارد)	S. E	β (ضریب مسیر مستقیم استاندارد)	C.R	P
نیاز به بازخورد	بهزیستی اجتماعی	-1/09	0/41	-0/46	-6/10	0/001
اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی	ارضاء نیازهای بنیادین عمومی	-3/49	0/17	-0/62	-8/42	0/001
ارضاء نیازهای بنیادین	بهزیستی اجتماعی	0/22	0/03	0/52	7/28	0/001

در ادامه ضرایب مستقیم غیراستاندارد و استاندارد مسیرهای موجود در مدل در جدول (2) آمده است. هر کدام از متغیرهای پیش‌بین در پیش‌بینی متغیر ملاک دارای معناداری در سطح ($P < 0/001$) بوده و مقدار (C.R) بالای $1/96$ دارند، بنابراین معناداری روابط بین متغیرها در مدل تأیید می‌شود.

جدول 3. ضرایب استاندارد مسیرهای مستقیم، غیر مستقیم و کل موجود در مدل

مسیرهای مستقیم				مسیرهای غیر مستقیم		مسیرهای کل	
تأثیر مستقیم استاندارد	تأثیر غیر مستقیم استاندارد	تأثیر مستقیم استاندارد	تأثیر غیر مستقیم استاندارد	تأثیر مستقیم استاندارد	تأثیر غیر مستقیم استاندارد	تأثیر مستقیم استاندارد	تأثیر غیر مستقیم استاندارد
β	β	P	β	β	β	β	β
-0/78	-0/32	0/001	-0/46	بهبودی اجتماعی	نیاز به بازخورد اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی	-0/78	-0/32
-0/62	----	0/001	-0/62	ارضای نیازهای بنیادین عمومی	اجتماعی	-0/62	----

یکی از هدف‌های تحلیل به روش مدل معادلات ساختاری ارائه میزان اثر غیرمستقیم متغیر پیش‌بین (متغیر برونزا) بر متغیر ملاک (متغیر درون‌زا) است. نتایج بررسی اثرات غیرمستقیم و کل در جدول (3) آمده است. تأثیر کل نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی بر بهبودی اجتماعی برابر با ($\beta = -0/78$) و منفی است. نتایج نشان می‌دهد، اثر غیرمستقیم متغیر نیاز به بازخورد اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی با بهبودی اجتماعی از طریق متغیر میانجی ارضای نیازهای بنیادین عمومی برابر با ($\beta = -0/32$) و منفی است. اثر غیر مستقیم علاوه بر اثر مستقیم (بدون واسطه) متغیر نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی است که بر بهبودی اجتماعی تأثیر دارد. از آنجا که رابطه بین متغیر پیش‌بین و میانجی و متغیر میانجی و ملاک معنادار است، رابطه غیر مستقیم نیز معنادار خواهد بود. در راستای تأیید این موضوع از آزمون سوبل (Sobel Test)، جهت بررسی معناداری متغیر میانجی در رابطه میان متغیر پیش‌بین و ملاک استفاده گردید و مقدار آماره آزمون به دست آمده از مقدار $1/96$ بیشتر شد ($Z\text{-value} = 3/56$). براین اساس فرض صفر (مبنی بر اینکه متغیر میانجی نقشی در رابطه میان رابطه متغیر پیش‌بین و ملاک ندارد) رد شده و معناداری متغیر میانجی تأیید می‌گردد.

جدول 4. شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری

شاخص	Df/x2	GFI	AGFI	NFI	IFI	CFI	RMSEA
مقدار	1/23	0/97	0/95	0/97	0/99	0/99	0/02
مقدار قابل قبول	1-5	>0/9	>0/9	>0/9	0-1	>0/9	<0/1

نتایج مربوط به شاخص‌های برازش نیز در جدول (4) آمده است. در مجموع نتایج نشان می‌دهد، شاخص‌های برازش در دامنه مورد قبول قرار دارند. مقدار به دست آمده از شاخص خطای ریشه مجذور میانگین تقریب (RMSEA) کمتر از ($0/1$) است که نشانگر برازش مطلوب مدل است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش، پیش‌بینی بهزیستی اجتماعی براساس نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی با نقش واسطه‌ای نیازهای بنیادین عمومی بود. یکی از یافته‌های پژوهش این بود که بین نیاز به بازخورد اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی و بهزیستی اجتماعی رابطه معکوسی وجود دارد. در بررسی پژوهش‌های پیشین، مطالعاتی که به طور مستقیم به روابط بین نیاز به بازخورد اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی و بهزیستی اجتماعی (تقوایی یزدی، چیت‌ساز، 1395)، رابطه استفاده از فیس بوک و احساس تنهایی (فو و گو، 2019)، استفاده از فیس بوک و بهزیستی اجتماعی (برات دستجردی و همکاران، 1395)، کیفیت روابط اجتماعی در کاربران شبکه‌های اجتماعی (اصغر کیا، 1397) وجود دارد که همگی حاکی از کیفیت پایین روابط اجتماعی کاربران شبکه‌های اجتماعی است. مودی و همکاران (2023)، در مطالعه‌ای به این نتیجه دست یافتند، افراد با سطح بالایی از نیاز به تأیید اجتماعی در مقایسه با افراد با سطح پایین نیاز به تأیید اجتماعی، اضطراب اجتماعی بیشتری را تجربه می‌کنند. مطالعه مودی و همکاران (2023)، با اینکه در کاربران شبکه‌های اجتماعی بررسی نشده است، اما می‌تواند تأیید کننده نتایج این پژوهش در خصوص رابطه نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی و بهزیستی اجتماعی باشد. هنگامی که نیاز به تأیید اجتماعی افزایش می‌یابد، ترس افراد از قضاوت منفی نیز افزایش می‌یابد و ترجیح می‌دهند خود را از محیط‌های اجتماعی واقعی کنار بکشند. این افراد نسبت به طرد شدن حساس هستند و روی نظرات دیگران تمرکز می‌کنند و آن‌ها از قضاوت منفی دیگران در محیط‌های اجتماعی بسیار می‌ترسند (دیلباز¹، 2000). بر این اساس بهزیستی اجتماعی پایین را می‌توان با نیاز به بازخوردهای اجتماعی مرتبط دانست.

تصمیم‌گیری برای اینکه نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی و در نتیجه استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای بهزیستی اجتماعی مفید یا مفید نیست، بستگی به این دارد که آیا استفاده از شبکه‌های اجتماعی باعث ارضاء خواسته‌های فطری انسان برای پذیرش و تعلق می‌شود یا خیر. به عبارت دیگر، مطالعات در خصوص ارتباطات بین فردی نشان می‌دهد، وقتی استفاده از شبکه‌های اجتماعی باعث ارتقاء ارتباط بین فردی می‌گردد، با نتایج مثبت مرتبط است. زمانی که منجر به ارتقای ارتباط بین فردی نباشد و نیازهای پذیرش و تعلق را برآورده نکنند، منجر به پیامدهای منفی می‌گردد. یکی از پیامدهای منفی ناشی از استفاده از شبکه اجتماعی احساس انزوا است (پارنت²، 2023). تحقیقات از ارتباط بین استفاده از فیس بوک و تنهایی پشتیبانی می‌کند (سونگ³ و همکاران، 2014). این پیوند می‌تواند بیشتر دو طرفه باشد و می‌توان ذکر کرد که افراد تنها نیز بیشتر به سمت شبکه‌های اجتماعی گرایش پیدا می‌کنند (موراهان-مارتین و شوماخر⁴، 2003). پیامدهای منفی گرایش به شبکه‌های اجتماعی مانند انزوا در مطالعه سونگ و همکاران (2014) و گرایش افراد دارای احساس تنهایی به شبکه‌های اجتماعی (موراهان-مارتین و شوماخر، 2003) به وضوح روابط بین نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی و بهزیستی اجتماعی پایین را آشکار می‌کند. در کل نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی ممکن است پویایی روابط انسانی را تغییر داده باشد و این امر به طریق مختلف بر تنهایی و حمایت اجتماعی تأثیر می‌گذارد. با این وجود شواهدی متناقضی وجود دارد که نشان می‌دهد، استفاده از شبکه‌های اجتماعی از طریق فراهم کردن فرصت برای خودافشایی و ایجاد زمینه برای ارتباط از تقویت روابط اجتماعی آن‌ها حمایت می‌کند (میچیکیان، و سوارز-اورزکو⁵، 2015). این یافته‌ها بر اساس مدل ثروتمند-ثروتمندتر⁶ (کرات⁷ و همکاران، 2022) قابل تبیین است. بر اساس مدل ثروتمند-ثروتمندتر، استفاده از شبکه‌های اجتماعی زمانی

1. Dilbaz

2. Parent

3. Song

4. Morahan-Martin & Schumacher

5. Michikyan & Suárez-Orozco

6. Rich-get-richer hypothesis

7. Kraut

منجر به تقویت روابط اجتماعی می‌گردد که کاربران شبکه‌های اجتماعی از قبل روابط اجتماعی خوبی داشته باشند و براساس نیاز به تعلق و بازخورد اجتماعی از شبکه‌های اجتماعی استفاده نمی‌کنند. اما هنگامی که نوجوانان برای ارضاء نیاز خود به ارتباط و کاهش اضطراب خود در مورد طرد شدن از نظر اجتماعی به شبکه‌های اجتماعی مجازی روی می‌آورند، این ممکن است در واقع آن‌ها را به تجربه احساسات طرد اجتماعی سوق دهد (پارنت، 2023). جوانان دارای نیاز به بازخورد اجتماعی، روابط اجتماعی محدود و مهارت‌های اجتماعی ضعیف، دوستی با کیفیتی را از طریق شبکه‌های اجتماعی ایجاد نمی‌کنند، بلکه زمان خود را صرف درگیر شدن در ارتباطات با کیفیت پایین یا سطحی می‌کنند (سپیه و همکاران، 2014). براساس فرضیه «ثروتمند-ثروتمندتر» کرات و همکاران (2022)، نوجوانان بسیار اجتماعی و دارای عدم نیاز به بازخورد اجتماعی مزایای بیشتری را از گسترش ارتباط از طریق ابزارهای الکترونیکی تجربه می‌کنند با این حال، برای کسانی که ارتباطات اجتماعی کمتر و نیاز به بازخورد اجتماعی دارند، تعامل در شبکه‌های اجتماعی ممکن است باعث شود که احساس عمیق‌تری از تنهایی و انزوا را تجربه کنند، زیرا حس طرد شدن آنها به دنیای شبکه‌های اجتماعی گسترش می‌یابد (پارنت، 2023). بر این اساس کسانی که از لحاظ ارتباطات اجتماعی ضعیف هستند و نیاز به بازخورد اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی در آن‌ها بیشتر است، به لحاظ داشتن ضعف در روابط اجتماعی در ارضاء نیاز روان‌شناختی تعلق خود در بستر شبکه‌های اجتماعی با ناکامی رو به رو می‌گردند و در نتیجه بهزیستی اجتماعی پایین خواهند داشت. در کل شواهد گویای این است که شبکه‌های اجتماعی به عنوان وسیله‌ای برای ارضاء نیازهای مرتبط با ارتباط است، زیرا طبق شواهد مطالعاتی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به تسکین موقت احساسات اضطراب ناشی از نیازهای تعلق داشتن منجر شود (سونگ و همکاران، 2014). براین اساس کسانی بیشتر نیاز به استفاده و دریافت بازخورد از شبکه‌های اجتماعی دارند که از لحاظ اجتماعی دچار مشکل هستند. به عنوان مثال، افراد خجالتی یا درونگرا ممکن است خود را راحت‌تر و به طور مؤثرتری در شبکه‌های اجتماعی معرفی کنند (استاینفیلد، الیسون و لمپ¹، 2008). به طور مشابه، شبکه‌های اجتماعی می‌توانند برای برخی از نوجوانان به خصوص برای جوانان اقلیت قومی یا جنسی برای ارتباط با سایر افراد هم‌نوع در فضای در شبکه‌های اجتماعی مناسب‌تر باشد (سقلارک و وارد²، 2016). همچنین افرادی که تلاش می‌کنند خود را در شبکه‌های اجتماعی به طور مطلوب نشان دهند، به دنبال تأیید، پذیرش، به رسمیت شناختن و اعتبار اجتماعی از سوی دیگران هستند (آرپاچی، 2020). این گرایش به تأیید و پذیرش و بازخورد از سوی دیگران در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند بیانگر کمبود در روابط اجتماعی و یا بهزیستی اجتماعی پایین در این افراد و تبیین کننده رابطه نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی و بهزیستی اجتماعی باشد.

در ادامه تبیین رابطه نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی و بهزیستی اجتماعی ذکر این نکته اهمیت دارد که از شبکه‌های اجتماعی برای «تجربه گذرای اجتماعی» یا تحقق موقت اما توهم‌آمیز نیاز اجتماعی استفاده می‌شود (گاردنر، پیکت و نولز³، 2005). چون این تجربه ارتباط اجتماعی دارای کیفیت پایین و بیشتر به صورت تعاملی نیست و اغلب مشاهده منفعلانه گفتگوها و مشاهده نمایه‌های افراد ناآشنا در اینستاگرام است و افرادی ناآشنا پشت این نمایه‌ها کمین کرده‌اند که باعث می‌گردد شبکه‌های اجتماعی زمینه‌ها را برای تجربه احساس تنهایی باز کنند (کارپنتر⁴ و همکاران، 2011). فعالیت در شبکه‌های اجتماعی باعث می‌شود کاربران احساس کنند که نیازهای اجتماعی لحظه‌ای آن‌ها برآورده شده است. با این حال، در ایجاد ارتباط بین فردی در شبکه‌های اجتماعی دنیای واقعی ناکام می‌مانند و در نهایت کمبود روابط اجتماعی و حمایت اجتماعی را تجربه می‌کنند (کارپنتر، گرین و لافللام⁵، 2005). در واقع کاربران شبکه‌های اجتماعی که در زندگی خود فاقد ارتباطات معنادار و نیاز به بازخورد

1. Steinfeld, Ellison & Lampe.
2. Ceglarek & Ward
3. Gardner, Pickett & Knowles.
4. Carpenter, Green & LaFlam.
5. Green

اجتماعی دارند از استفاده شبکه‌های اجتماعی برای ارضاء نیازهای بنیادین عمومی بهره‌ای نخواهند برد و ممکن است در واقع احساس انزوای موجود را تقویت کنند (پارنت، 2023). نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های و تعامل با شبکه‌های اجتماعی باعث می‌شوند زندگی واقعی جای خود را به زندگی در شبکه‌های اجتماعی بدهد و روابط اجتماعی در قالب شبکه‌های اجتماعی و گاه در قالب هویت‌های غیر واقعی شکل بگیرد، بدین ترتیب در نتیجه افزایش اتصال به شبکه‌های اجتماعی، ارتباط بین فردی کاهش می‌یابد (هال و لیو، 2022).

از دیگر نتایج پژوهش این است که ارضاء نیازهای بنیادین عمومی دارای پیامد مثبت بهزیستی اجتماعی است. در تبیین این موضوع می‌توان گفت، تحقیقات مختلف سازه ارضاء نیازها را بیشتر در نقش عامل میانجی بررسی می‌کنند که ارضاء نیازها منجر به نتایج مثبت می‌گردد (شلدون، آباد و هینش²، 2011). ارضاء نیازهای بنیادین عمومی با رشد و بهزیستی روانی و همچنین دستیابی به پیامدهای مختلف رشدی از جمله تعاملات اجتماعی همراه است (تیان، ژانگ و هوبنر³، 2018؛ ری لیک، دی‌هان، شوبرت⁴ و رایان، 2019). نیاز به ارضاء نیازهای بنیادین در بستر شبکه‌های اجتماعی به خصوص در افراد خجالتی و درون‌گرا شایع است، در بستر شبکه‌های اجتماعی این افراد خودنمایی‌های مثبتی از خود می‌سازند و به طور موثر با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند (پارنت، 2023). براین اساس می‌توان مطرح کرد که ارضاء نیازهای بنیادین عمومی منجر به بهزیستی اجتماعی می‌گردد. در ادامه تبیین رابطه ارضاء نیازهای بنیادین عمومی و بهزیستی اجتماعی در کاربران شبکه‌های اجتماعی می‌توان گفت، به طور قابل توجه، ایده استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای غلبه بر نیازهای روان‌شناختی ناکام شده ممکن است به ویژه برای افرادی که در ارتباط با دیگران در زمینه‌های چهره به چهره مشکل دارند، مرتبط باشد. برای این جوانان، شبکه‌های اجتماعی ممکن است به عنوان وسیله‌ای برای جبران اجتماعی و تسهیل اجتماعی و جبران کمبود مهارت‌های اجتماعی و ارضاء نیازهای بنیادین در تعاملات رو در رو با همسالان باشد (والکنبورگ، سامتر و پیتر⁵، 2011). مشارکت در شبکه‌های اجتماعی ممکن است به ویژه برای ارضاء نیازهای بنیادین عمومی جوانان اقلیت که بهزیستی اجتماعی پایین دارند نیز به صورت گذرا مفید باشد، زیرا می‌تواند فضای امنی را برای آن‌ها فراهم کند تا با دیگران مشابه ارتباط برقرار کنند و نیازهای بنیادین عمومی (یعنی ارضاء نیازهای آن‌ها برای شایستگی، ارتباط و خودپیروی) خود را ارضاء کنند (پارنت، 2023). این منعکس کننده تئوری استفاده جبرانی از اینترنت⁶ کاردفلدوینتر⁷ (2014) است که بر اساس این تئوری، افراد دارای بهزیستی اجتماعی پایین از شبکه‌های اجتماعی به عنوان وسیله‌ای برای کاهش احساسات منفی و ناراحتی روانی و ارضاء نیازهای بنیادین استفاده می‌کنند. شواهد در کل تایید کننده این موضوع است که کاربران شبکه‌های اجتماعی که ناتوان از ارضاء نیازهای بنیادین عمومی هستند، بهزیستی اجتماعی پایین دارند و ارضاء نیازهای بنیادین عمومی با بهزیستی اجتماعی را در آنها همراه است.

دیگر نتایج پژوهش این است که نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی با عدم ارضاء نیازهای بنیادین عمومی همراه است. مطالعاتی تاکنون بین نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی و نیازهای بنیادین عمومی انجام نشده است، اما مطالعاتی توسط آرپاچی و همکاران (2023) و ساوچی و همکاران (2021) انجام یافته است که نشان دهنده ارتباط بین گرایش به شبکه‌های اجتماعی و نیازهای بنیادین عمومی است که می‌تواند تأیید کننده یافته‌های پژوهش در رابطه بین نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی و نیازهای بنیادین عمومی باشد. افرادی که نیاز به بازخورد اجتماعی در شبکه‌های

1. Hall & Liu

2. Sheldon, Abad & Hinsch.

3. Tian, Zhang & Huebner.

4. Wray-Lake, DeHaan, Shubert & Ryan.

5. Valkenburg, Sumter & Peter.

6. Compensatory internet use theory

7. Kardefelt-Winther

اجتماعی دارند و از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند، نیازهای بنیادین عمومی از قبیل احساس ارزشمندی، خودپیروی و تعلق به دیگران را به راحتی در سایت‌ها و نمایه عمومی شبکه‌های اجتماعی که زمینه را برای بازخورد نظرات دیگران فراهم می‌سازد، دنبال می‌کنند (هالیکاینن¹، 2015). تجارب نوجوانان از پذیرش و تعلق و بازخورد دریافت شده از طریق تعامل همسالان در شبکه‌های اجتماعی، می‌تواند نیازهای آن‌ها را برای شایستگی، خودپیروی و هم به تعلق که جزء نیازهای بنیادین است به طور همزمان برآورده کند (پارنت، 2023). رابطه نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی را با نیازهای بنیادین عمومی را می‌توان طبق نظریه استفاده جبرانی از اینترنت کاردفلد وینتر (2014) نیز تشریح کرد. براساس این نظریه، جوانانی که در ارضاء نیازهای بنیادین خود برای شایستگی، خودپیروی و تعلق در زندگی روزمره خود دچار ناامیدی می‌شوند، دارای نیاز به بازخورد اجتماعی هستند. این جوانان از شبکه‌های اجتماعی به عنوان وسیله‌ای برای جبران و ارضاء نیاز به بازخورد اجتماعی که در ارتباط با نیازهای بنیادین عمومی ناکام شده استفاده می‌کنند، زیرا شبکه‌های اجتماعی بستری مناسب برای ارضاء نیاز آن‌ها به خودمختاری از طریق انتخاب و کنترل بر معرفی خود، ارضاء نیاز تعلق از طریق تقویت ارتباطات عمیق‌تر با دیگران و ارضاء نیاز شایستگی از طریق بازخورد حمایتی همسالان و احساس شایستگی خود است (شلدن و همکاران، 2011).

در ادامه رابطه نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی و نیازهای بنیادین عمومی را همچنین می‌توان مطابق مدل دو فرآیندی نیازهای روان‌شناختی² شلدون و اسکولر³ (2011) تشریح کرد. شلدون و اسکولر (2011)، مدل دو فرآیندی را برای توضیح اینکه چگونه نیازها و انگیزه‌ها یک سیستم واحد را تشکیل می‌دهند، توسعه دادند. در مدل دو فرآیندی، نیازها به عنوان نیروهای محرک (مثلاً من نیاز به غذا خوردن دارم) است و این مدل شرایطی که برای رشد یک موجود زنده وجود دارد و روش برآورده شدن و تامین نیازها (مثلاً شرایطی که افراد نیاز به غذا را تامین می‌کنند) را در نظر گرفته است. در پاسخ به احساس نیاز نارضایتی (مثلاً احساس تنهایی می‌کنم)، افراد انگیزه می‌یابند تا برای حل آن اقدام کنند (مثلاً تماس با یک دوست) یا فردی که در حال حاضر احساس بی‌کفایتی می‌کند، باید تلاش کند تا شایستگی بیشتری کسب کند (یعنی تسلط بر مشکل)، (شلدون و گونز⁴، 2009). مدل دو فرآیندی با چندین نیاز اساسی (به عنوان مثال، شایستگی، خودپیروی و ارتباط) سازگار است (گر و مک دونالد⁵، 2010). مدل دو فرآیندی پیش‌بینی می‌کند که احساس قطع ارتباط یا تنهایی در لحظه باید رفتارهای اجتماعی را تحریک کند (رایسمان، استولبرگ، هاووزر، کاونزینگر و لانگ⁶، 2021). براساس مدل دو فرآیندی، نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند در ارتباط با نیازهای بنیادین عمومی در کاربران شبکه‌های اجتماعی باشد. چنانکه رایسمان و همکاران (2021) دریافتند، احساس تنهایی گذشته یک پیش‌بینی کننده قوی برای تعامل رو در رو در آینده است.

در کل از یافته‌های پژوهش نتیجه‌گیری می‌گردد، نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی و نیازهای بنیادین عمومی پیش‌بینی کننده سطح پایین بهزیستی اجتماعی کاربران شبکه‌های اجتماعی است و اثر مستقیم در روابط بین آنها طبق فرضیه اول و دوم پژوهشی تایید گردید. یافته دیگر این بود که نیازهای بنیادین عمومی (تعلق، شایستگی و خودپیروی) در رابطه نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی و بهزیستی اجتماعی نقش میانجی دارد و ارضاء یا عدم ارضاء نیازهای بنیادین عمومی به عنوان متغیر واسطه‌گر دارای نقش مهمی است و براین اساس فرضیه سوم پژوهش تایید گردید. به این شرح، طبق یافته‌های پژوهشی، نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی با نقش میانجی عدم ارضاء نیازهای بنیادین عمومی، بهزیستی اجتماعی پایین را در کاربران شبکه‌های اجتماعی پیش‌بینی می‌کند. این پژوهش این واقعیت را آشکار ساخت که هر

1. Hallikainen
2. 2-process model of psychological needs
3. Sheldon & Schuler
4. Sheldon & Gunz
5. Gere & MacDonald
6. Reissmann, Stollberg, Hauser, Kaunzinger & Lange

چه بیشتر افراد ارضاء نیازهای روان‌شناختی را تجربه کنند، بهزیستی اجتماعی بهتری را تجربه خواهند کرد. همان طور که گیاهان زمانی که نیازهایشان به خورشید، خاک و آب برآورده می‌شود، به طور کامل رشد می‌کنند (رایان، 1995).

یافته‌های پژوهش می‌تواند در دانش افزایی در خصوص بهزیستی اجتماعی و عوامل روان‌شناختی موثر بر بهزیستی اجتماعی کاربران شبکه‌های اجتماعی و گرایش به شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی داشته باشد. یافته‌های پژوهشی می‌تواند استفاده کاربردی در انجام مشاوره‌های فردی و خانوادگی در حوزه مشکلات ارتباط قشر نوجوانان با رسانه‌های اجتماعی و موضوعات مرتبط داشته باشد. یافته‌های پژوهش می‌تواند در تنظیم دستورالعمل‌هایی در خصوص نحوه تعامل والدین با فرزندان و توجه ویژه والدین به نیازهای اساسی فرزندان که از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند، مفید باشد. چنانکه عدم توجه والدین به نیازهای فرزندان از جمله نیاز به بازخورد اجتماعی و نیازهای بنیادین احساس تعلق، شایستگی و خودپیروی می‌تواند باعث گرایش بیشتر فرزندان به شبکه‌های اجتماعی شده و بهزیستی اجتماعی آنها در معرض آسیب قرار بگیرد. با این حال این پژوهش دارای محدودیت‌هایی است. از جمله محدودیت‌ها این است که موضوع جنسیت، سن، وضعیت ازدواج و قومیت مورد بررسی واقع نشده است. نیاز به بازخوردهای اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی، نیازهای بنیادین عمومی و بهزیستی اجتماعی می‌تواند بر حسب جنسیت، سن، وضعیت ازدواج و قومیت تفاوت‌هایی داشته باشد. تحقیقات آینده برای بررسی تجربی و تکمیل تحقیقات می‌توانند نقش بالقوه جنسیت، سن، وضعیت ازدواج و قومیت را مورد بررسی قرار دهند که برای کمک به درک جامع‌تر گرایش به شبکه‌های اجتماعی و بهزیستی اجتماعی و همچنین پیامدهای آن از نظر رشدی مورد نیاز است. روش نمونه‌گیری در دسترس و محدود بودن پژوهش به جمعیت دانشجویی دیگر محدودیت پژوهش بود، پیشنهاد است در تحقیقات آتی از سایر روش‌های نمونه‌گیری و از جوامع دیگری که ارتباط بیشتر با شبکه‌های اجتماعی دارند، استفاده گردد.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

تقدیر و تشکر

از کلیه مشارکت کنندگان پژوهش تقدیر و تشکر می‌گردد.

منابع

- اصغرکیا، علی. (1397). تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر کیفیت روابط اجتماعی (مطالعه موردی کاربران فیس بوک). فصلنامه علوم خبری، 4 (13)، 28-40.
- برات دستجردی، نگین؛ داورپناه، هدایت الله و اسماعیلی، معصومه. (1395). بررسی رابطه بین میزان استفاده از شبکه اجتماعی فیس بوک و بهزیستی اجتماعی دانشجویان دانشگاه اصفهان 92-1391. جامعه شناسی کاربردی، 27 (1)، 143-156.
- بشارت، محمدعلی و کلاگری، الهه رنجبر. (1392). مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی: پایایی، روایی و تحلیلی عاملی. فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، 4 (14)، 147-168.
- بهشتیان، محمد و روزبهانی، مرتضی. (1395). پیش‌بینی اضطراب اجتماعی بر اساس سبک دلبستگی و نیازهای بنیادین روان‌شناختی. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، 6 (24)، 17-33.
- تقوایی یزدی، مریم و چیت ساز، چهره. (1395). رابطه شبکه‌های اجتماعی با بهزیستی اجتماعی دانشجویان. فصلنامه فن آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، 7 (2) (پیاپی 26)، 77-97.

- رضوانپور، فرزانه؛ جوزی، حسن و بگیان کوله مرزی، محمدجواد. (1401). الگویی ساختاری سبک‌های دل‌بستگی، سه گانه تاریک شخصیت، حساسیت به طرد شدن با اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی با میانجی‌گری مهارت‌های ارتباطی در دانش‌آموزان. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی. 12 (48)، 20-1.
- زمانی، مهسا؛ نوربخش، یونس و نایی، هوشنگ. (1400). ارائه الگو جهت ارتقای بهزیستی اجتماعی از طریق شبکه‌های اجتماعی (مورد مطالعه: شبکه اجتماعی اینستاگرام). مطالعات رسانه‌های نوین، 7 (28)، 1-42.
- سیه جانی، لیلی و صفاری نیا، مجید. (1401). پیش‌بینی ابعاد شخصیت جامعه‌پسند بر اساس سلامت اجتماعی و منبع کنترل در دانشجویان. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی. 12 (45)، 143-165.
- هاشمی، تورج؛ حکمتی، عیسی؛ واحدی، شهرام و باباپور، جلیل. (1393). ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه پرسشنامه بهزیستی اجتماعی کیس. مطالعات علوم رفتاری، 8 (1)، 11-20.
- صفاری نیا، مجید؛ تدریس تبریزی، معصومه و علی اکبر دهکردی، مهناز. (1393). رواسازی و اعتباریابی پرسشنامه بهزیستی اجتماعی در زنان و مردان ساکن شهر تهران. فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، 18 (5)، 116-133.
- صفاری نیا، مجید؛ آقاییوسفی، علیرضا؛ حسینیان، سیمین و مهمان نوزان، اشرف. (1396). اثربخشی روان‌درمانی آدلری بر اساس سبک زندگی، علاقه اجتماعی بر احساس کمتری و بهزیستی اجتماعی زنان خیانت‌دیده. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، 7 (26)، 97-118.
- Akhtar S, Thomson JA Jr. (1982). Overview: narcissistic personality disorder. *The American Journal of Psychiatry*, 139 (1) :12-20. Doi: 10.117Doijp.139.1.12.
- Alabri, A. (2022). "Fear of Missing Out (FOMO) : the effects of the need to belong, perceived centrality, and fear of social exclusion. *Human Behavior and Emerging Technologies*, (12) , 1-12. DOI: 10.1155 /202 2/4824256
- Arpaci, I., Tak, P. & Shekhawat, H. (2023). The moderating role of exhibitionism in the relationship between psychological needs and selfie-posting behavior. *Current Psychology*. 42, 3610–3616. <https://doi.org/10.1007>
- Arpaci, I. (2020). The influence of social interactions and subjective norms on social media postings. *Journal of Information & Knowledge Management*, 19 (3) , 1–11. <https://doi.org/10.1142/S0219649220500239>.
- Baumeister, R. F., Brewer, L. E., Tice, D. M., & Twenge, J. M. (2007). Thwarting the need to belong: Understanding the interpersonal and inner effects of social exclusion. *Social and Personality Psychology Compass*, 1 (1) , 506–520. <https://doi.org/10.1111/j.1751-9004.2007.00020.x>
- Carpenter, J. M., Green, M. C., & LaFlam, J. (2011). People or profiles: Individual differences in online social networking use. *Personality and Individual Differences* , 50 (5) :538-541
- Ceglarek, P., & Ward, L. (2016). A tool for help or harm? How associations between social networking use, social support, and mental health differ for sexual minority and heterosexual youth. *Computers in Human Behavior*, 65, 201–209.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The " what" and " why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological inquiry*, 11 (4) : 227-268.
- Dilbaz, N. (2000). Sosyal anksiyete bozukluğu: tanı, epidemiyoloji, etiyoloji, klinik ve ayırıcı tanı. *Klinik Psikiyatri Dergisi*, 3 (2) , 3-21.
- Duradoni, M., Spadoni, V., Gursesli, M.C., Guazzini, A. (2023). Development and Validation of the Need for Online Social Feedback (NfOSF) Scale. *Human Behavior and Emerging Technologies*, 5581492: 11. <https://doi.org/10.1155/2023/5581492>
- Gagné, M. (2003). The Role of Autonomy Support and Autonomy Orientation in Prosocial Behavior Engagement. *Motivation and Emotion* 27, 199–223. <https://doi.org/10.1023/A:1025007614869>
- Gardner, W. L., Pickett, C. L., & Knowles, M. L. (2005). Social snacking and shielding: Using social symbols, selves, and surrogates in the service of belonging needs. In K. D. Williams, J. P. Forgas, & W. von Hippel (Eds.), *The social outcast: Ostracism, social exclusion, rejection, and bullying* (pp. 227–242). New York, NY: Psychology Press
- Gere, J., & MacDonald, G. (2010). An update of the empirical case for the need to belong. *Journal of Individual Psychology*, 66 (1) , 93–115 .
- Green MC, Hilken J, Friedman H, Grossman K, Gasiewski J, Adler R, Sabini J. (2005). Communication via Instant Messenger: short- and long-term effects. *J Appl Social Psychol*, 35 (3) :445–462. Doi: 10.1111/j.1559-1816.2005.tb02130. x.
- Hall JA, Liu D. (2022). Social media use, social displacement, and well-being. *Current Opinion in Psychology*, 46:101339. <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2022.101339>

- Hallikainen, P. (2015). Why people use social media platforms: Exploring the motivations and consequences of use. In L. Mola, F. Pennarola, & S. Za (Eds.) , from information to smart society (Vol. 5, pp. 9–17). Cham: Springer International Publishing. Doi: 10.1007/978-3-319-09450-2.
- Hamblion. E. L.; Burkitt. A.; Lalor. M. K.; Anderson. L. F.; Thomas. H .L; Abubakar. I.; Morton. S.; Maguire. H. & Anderson. S. R. (2019). (Public health outcome of Tuberculosis Cluster Investigations, England 2010–2013. *Journal of Infection*, 78 (4) , 269-274.
- Huber M, Knottnerus JA, Green L, Van Der Horst H, Jadad AR, Kromhout D, et al. (2011). How should we define health. *BMJ*, 343: d4163. Doi: 10.1136/bmj. d4163
- Karaşar, B. & Ögülmüş, S. (2016). Examining the need for social approval in terms of different variables. *Journal of Uludag University Faculty of Education*, 29 (2) , 469-495. Retrieved from <https://dergipark.org.tr/en/pub/uefad/issue/26859/282490> .
- Kashdan, T. B., Mishra, A., Breen, W. E., & Froh, J. J. (2009). Gender differences in gratitude: Examining appraisals, narratives, the willingness to express emotions, and changes in psychological needs. *Journal of Personality*, 77 (3) :691-730.
- Kardefelt-Winther, D. (2014). A conceptual and methodological critique of internet addiction research: Towards a model of compensatory internet use. *Computers in Human Behavior*, 31 (1) , 351–354.
- Keyes, Corey Lee.M. (1998). Social well-being. *Social psychology quarterly*, (61) 2: 121-190.
- Keyes, C. L. M., & Lopez, S. (2002). Toward a science of mental health: Positive directions in diagnosis and interventions, in C. R. Snyder & S. Lopez (Eds.) , *Handbook of Positive Psychology* (pp. 45-59) , Oxford University Press: New York, NY.
- Keyes, C. L. M., & Shapiro, A. D. (2004). Social well-being in the United States: A descriptive epidemiology. In O. G. Brim, C. D. Ryff, & R. C. Kessler (Eds.) , *How healthy are we? A national study of well-being at midlife* (pp. 350–372). Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Kline, R. B. (2011). *Principles and practice of structural equation modeling*, NY: Guilford Press.
- Kraut, R., Kiesler, S., Boneva, B., Cummings, J. N., Helgeson, V., & Crawford, A. (2002). M. Internet paradox revisited. *Journal of Social Issues*, 58 (1) , 49–74.
- Leow, K., Lynch, M. F., & Lee, J. (2021). Social Support, Basic Psychological Needs, and Social Well-Being among Older Cancer Survivors. *The International Journal of Aging and Human Development*, 92 (1) :100-114. Doi: 10.1177/0091415019887688.
- Maslow, A. H. (1987) , *Motivation and Personality*, New York: Harper.
- Marengo, D., Montag, C., Sindermann, C., Elhai, J.D., & Settanni, M. (2021). Examining the links between active Facebook use, received likes, self-esteem and happiness: A study using objective social media data. *Telematics Informatics*, 58, 101523.
- Modi, H. H., Davis, M. M., Troop Gordon, W., Telzer, E. H., & Rudolph, K. D. (2023). Need for approval and antisocial behavior moderate the effect of socioemotional cues on adolescent girls' cognitive control. *Child Development*, 94 (2) :529-543. Doi: 10.1111/cdev.13875. Epub 2022 Nov 28.
- Michikyan, M., & Suárez-Orozco, C. (2015). Adolescent media and social media use: Implications for development. *Journal of Adolescent Research*, 31 (4) : 411–414.
- Morahan-Martin, J., & Schumacher, P. (2003). Loneliness and social uses of the Internet. *Computers in Human Behavior* , 19 (6) :659-671. Doi: 10.1016/S0747-5632 (03) 00040-2.
- Parent, N. (2023). Basic Need Satisfaction through Social Media Engagement: A Developmental Framework for Understanding Adolescent Social Media Use. *Human Development*, 67 (1) : 1–17. [https://doi.org/ 10.1159/000529449](https://doi.org/10.1159/000529449)
- Phu, B., & Gow, A. J. (2019). Facebook use and its association with subjective happiness and loneliness. *Computers in Human Behavior*, 92:151-159. Epub 2018. Doi: 10.1016/j.chb. 2018.11 .020
- Reissmann, A., Stollberg, E., Hauser, J., Kaunzinger, I., & Lange, K. W. (2021). The role of state feelings of loneliness in the situational regulation of social affiliative behavior: Exploring the regulatory relations within a multilevel framework. *PLoS One*, 16 (6) : e0252775. Doi: 10.1371/journal.pone.0252775.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2017). *Self-determination theory: Basic psychological needs in motivation, development, and wellness*. New York, NY: Guilford Publishing. *Revue québécoise de psychologie* , 38 (3) :231. DOI: 10.7202/1041847 ar
- Saha, T.K. (2009). "War on Word in Cyberspace Legal Constrains and Conflicts between Right of Privacy and Freedom of Speech", *Journal of Intellectual Property Right*, 14 (1) :45.
- Savci, M., Emin Turan, M., Griffiths, M.D., Ercengiz, M. (2021). Histrionic Personality, Narcissistic Personality, and Problematic Social Media Use: Testing of a New Hypothetical Model. *International Journal of Mental Health and Addiction*, 19 (6) :1-19. <https://doi.org/10.1007/s11469-019-00139-5>

- Sheldon, K. M., Abad, N., & Hinsch, C. (2011). A two-process view of Facebook use and relatedness need-satisfaction: Disconnection drives use, and connection rewards it. *Psychology of Popular Media Culture*, 1 (S) :2–15. <https://doi.org/10.1037/2160-4134.1.S.2>
- Sheldon, K. M., & Schuler, J. (2011). Wanting, having, and needing: Integrating motive disposition theory and self-determination theory. *Journal of Personality and Social Psychology*, 101 (5) , 1106–23. <https://doi.org/10.1037/a0024952>
- Sheldon, K. M., & Gunz, A. (2009). Psychological needs as basic motives, not just experiential requirements. *Journal of Personality*, 77 (5) , 1467–1492. <https://doi.org/10.1111/j.1467-6494.2009.00589.x>
- Song, H., Zmyslinski-Seelig, A., Kim, J., Drent, A., Victor, A., Omori, K., & Allen, M. (2014). Does Facebook make you lonely? A Meta analysis. *Computers in Human Behavior*, 36, 446–452. Doi: 10.1016/j.chb.2014.04.011
- Spies Shapiro, L. A., & Margolin, G. (2014). Theories of adolescent social media use. *Clinical Child and Family Psychology Review*, 17 (1) : 1–18.
- Steinfield, C., Ellison, N., & Lampe, C. (2008). Social capital, self-esteem, and use of online social network sites: A longitudinal analysis. *Journal of Applied Developmental Psychology - J Applied Dev Psychology*, 29 (6) , 434–445.
- Taylor, I. H. (2015). Facebook and the being liked motive. *International Journal of Social Sciences and Education Research*, 1 (4) : 1216-1227
- Tian, L., Zhang, X., & Huebner, E. S. (2018). The effects of satisfaction of basic psychological needs at school on children's prosocial behavior and antisocial behavior: The mediating role of school satisfaction. *Frontiers in Psychology*, 9 (548) , 548.
- Valkenburg PM, Sumter SR, Peter J. (2011). Gender differences in online and offline self-disclosure in pre-adolescence and adolescence. *British Journal of Developmental Psychology*, 29 (Pt 2) :253-69. Doi: 10.1348/2044-835X.002001.
- Vansteenkiste, M., Ryan, R.M. & Soenens, B. (2020). Basic psychological need theory: Advancements, critical themes, and future directions. *Motivation and Emotion*, 44 (2) , 1–31. <https://doi.org/10.1007/s11031-019-09818-1>
- Vansteenkiste, M., Aelterman, N., Haerens, L., & Soenens, B. (2019). Seeking stability in stormy educational times: A need-based perspective on (de) motivating teaching grounded in self-determination theory. In E. N. Gonida & M. S. Lemos (Eds.) , *Motivation in education at a time of global change: Theory, research, and implications for practice* (pp. 53–80). Emerald Publishing. <https://doi.org/10.1108/S0749-74232019000020004>
- Vogels EA, Gelles-Watnick R, Massarat N. (2022). Teens, social media and technology 2022. Pew Research Center. [2022-08-30]. <https://www.pewresearch.org/internet/2022/08/10/teens-social-media-and-technology-2022/>.
- Wei, M., Shaffer, P. A., Young, S. K., & Zakalik, R. A. (2005). Adult Attachment, Shame, Depression, and Loneliness: The Mediation Role of Basic Psychological Needs Satisfaction. *Journal of Counseling Psychology*, 52 (4) , 591–601.
- Wray-Lake, L., DeHaan, C. R., Shubert, J., & Ryan, R. M. (2019). Examining links from civic engagement to daily well-being from a selfdetermination theory perspective. *The Journal of Positive Psychology*, 14 (2) , 166–177.